

با توجه به سابقه تدریس و آلبوم‌هایی که منتشر کرده‌اید، بیشتر خود را خواننده می‌دانید یا مدرس آواز؟

من بیشتر معلم آواز هستم و به علت اینکه هیچ‌وقت نمی‌خواستسم خواننده شوم در این راه تلاشی هم نکردم. چند کاری را هم که خواندم پیش آمد.

البته با توجه به اینکه می‌توانستید خواننده شوید و در زمان شما به جز یکی دو نفر آنچنان خوانندگان مطرحی نبودند و شرایط برای شما فراهم بود؟

بله، اما قصد خواننده‌شدن نداشتم. ضمنا با گفته شما موافق نیستم چراکه خوانندگان خوبی داشتم.

چرا؟ در آن روزگار به غیر از استاد شجریان و آقای ناظری دیگر کسی آنچنان خواننده فعال و مطرحی نبود.

موضوع اصلا ایسن چیزها نبود حتی روزی که رفتم پیش شجریان گفتم می‌خواهی چه کار کنی؟ گفتم می‌خواهم ردیف یاد بگیرم. یعنی از همان ابتدا دنبال خواننده‌شدن نبودم. خود شما در این عوالم هستید و می‌دانید خواننده‌شدن چه سختی‌هایی دارد. برای من هم اولین کارم اتفاقی بود. علیرضا برای خواندن تصنیف‌های دلشدگان دنبال خواننده می‌گشت. با امین تارخ هنرپیشه فیلم صحبت در این باره پیش آمده بود و از آنجا که تارخ در جریان بود که من خدمت استاد شجریان تلمذ کرده‌ام، من را پیشنهاد کرده بود. با علیرضا هم‌دانشکده بودم، من نقاشی می‌خواندم و او موسیقی؛ با هم آشنا بودیم و این گونه بود که مرا دعوت به همکاری کرد و از آن موقع تا چندین سال برای آثار علیرضا جزء گروه بودم. البته بعدا ماجراهایی پیش آمد که می‌دانید و اکنون نمی‌خواهم وارد آن شوم چراکه دست آخر آدم نمی‌داند از چه کسی گله کند. البته به یقین استاد شجریان را من بهتر می‌خواندم و هیچ تردیدی در این نیست، من شاگردشان بودم و هنوز خود را شاگرد می‌دانم. و تمام کسانی که امروزه می‌خوانند به نوعی شاگرد ایشان هستند. به هر تقدیر این گونه بود که من خوانندگی کشیده شدم و آلبوم صبحگاه‌ی را خواندم و بعد دره‌دزه متوجه شدم که دارم کنسرت می‌دهم و کار ضبط می‌کنم. اما درواقع همیشه دنبال این بودم بدانم که ردیف چیست؟ مثلا وقتی خواننده‌ای می‌خواند و اعلام می‌شد مخالف سه‌گاه خوانده‌است می‌خواستسم بدانم مخالف سه‌گاه یعنی چه؟ از کجا این اسم‌ها را گذاشته‌اند... و هنوز که هنوز است روی ردیف کار می‌کنم.

شاید باورتان نشود اما من هرگز یک ساعت مداوم تمرین آواز نکردام شاید برای یادگیری ملودی و ردیف تمرین می‌کردم اما برای آواز هیچ‌وقت. من بیشتر معلم آواز هستم و مدفع‌ام دانستن ردیف است و آموزش ردیف.

زمانی که به فراگیری آواز می‌پرداختید لحن و شیوه بیانی خاصی را در نظر داشتید یا فقط می‌خواستید شبیه‌استادشجریان‌بخوانید؟

نه، صدای من صدای خاصی است ولی آوازهایی که خوانده‌ام کاملا تحت‌تاثیر استاد است؛از نظر جمله‌بندی و طرز اداکردن شعر. موضوع این است که طبیعت صدای من این بوده وگرنه من هیچ‌گاه سعی نکردم از ایشان دور شوم. چراکه به هر حال هر روز ردیفی که از ایشان آموخته‌ام را دارم درس می‌دهم و گریختن از این شیوه برای من شدنی نیست.

به هر حال این گونه مساله‌ای به نام کپی‌شدن پیش آمده یعنی هنرجویی که کپی‌استادش می‌خواند.

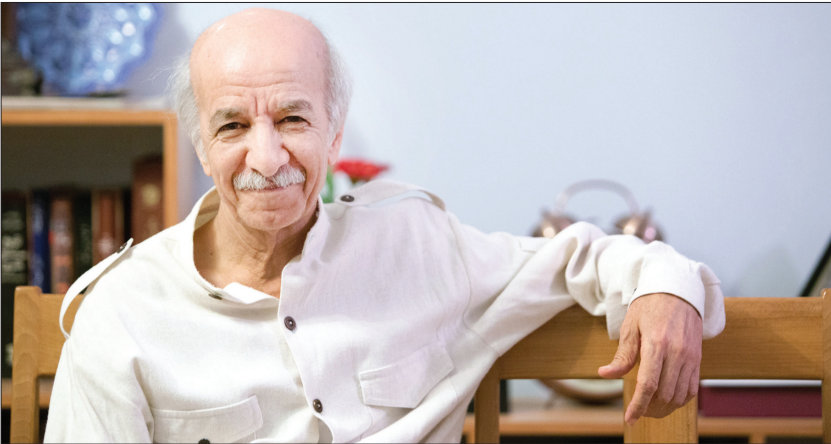
هر آنچه از ردیف را استاد به من یاد داده‌ام مویه‌مو همانند بیان استاد فراگرفته‌ام و بسیاری هم از این مساله خوشحالم. اما در باب شبیه خواندن، من تصور نمی‌کنم که شباهتی وجود داشته باشد. اگر هم چنین چیزی هست، من هرگز تلاشی نکردم که شبیه ایشان بشوم یا نشوم. اکنون ۲۷ سال است که ردیف استاد را درس می‌دهم. وقتی کاری را تکرار می‌کنید خواه‌انخواه شباهت‌ها پیدا می‌شود. به همین دلیل اگر چیزی خوانده‌ام طبیعی است که بیش از هرکسی به خواندن استادم شبیه باشم تا دیگران.

شما به‌عنوان مدرسی شناخته می‌شوید که بار آموزش از جانب استادش را به دوش کشیده‌است. یعنی هرچه استاد شجریان فرصت برای تعلیم هنر جو نداشته‌اند شما این خلأ را پوشش داده و شاگردان خوبی برای ایشان تربیت کرده‌اید.

استاد شجریان هنر جو هم تعلیم داده و در زمینه آموزش کم نگذاشته‌اند. من هم دوره‌ای‌هایم ۹ سال از آموزش

گفت‌وگو با محسن کرامتی، مدرس آواز و خواننده گریز از شیوه‌شجریان برایم شدنی نیست

مهدی آواز قلندرانه و تترسی می‌خواند، شیوه و مدل خودش را



عکاس: علی واشی کیران

بی‌تاری‌اروزگاری که هنوز به کلاس ردیف نرفته بود آوازهای ظلی را به گواه حمدرضا لطفی به خوبی می‌خواند، آن هم زمانی که هنرجوی رشته نقاشی دانشگاه تهران بود. محسن کرامتی، خواننده و مدرس آواز، به سبب علاقه به یادگیری ردیف سرکلاس زنده‌یاد استاد محمود کریمی می‌رود و سپس به دعوت استاد شجریان هنرجویی را پیش ایشان ادامه می‌دهد و اگر فرصت خواندن در دلشدگان از او سلب نمی‌شد، شاید پیشتر او را به‌عنوان خواننده می‌شناختیم تا مدرس آواز. اما اکنون او به‌عنوان مدرس و معلم بی‌ادعا در زمینه ردیف موسیقی و شیوه استاد شجریان شناخته می‌شود که شاگردان خوبی را تربیت کرده است و چه افتخاری برای یک معلم دلسوز از این بهتر که شاگردانش در آواز به اسم شناخته شوند و نام استادشان را به نیکی یاد کنند. مهدی امامی، شاگرد او، که این روزها آواز متفاوت و قلندرانه‌اش تویذبخش حضور خواننده‌ای با صدایی وارهیده و غیرکپی را می‌دهد، از هنرجویان خوب محسن کرامتی است که در این مصاحبه سعی کرده‌ایم روی آموزش ردیف و نگرش ویژه به صدای امامی جویای شیوه آموزش این استاد آواز باشیم.

به خودشان مربوط است. من ردیف تعلیم می‌دهم، نه آواز.

اجرا هستند و کسی که مجری آواز است بیشتر وقت برای اجرا می‌گذارد تا تعلیم. چون کار ایشان معلمی نبوده و خوانندگی برایشان اهمیت بیشتری داشته است.

استاد، در دورانی که ما تعلیم می‌گرفتیم بسیار با حوصله کار می‌کردند و از این حیث کم نمی‌گذاشتند و به گمانم از جهت تعلیم و آموزش هم اگر دینی داشته‌اند، ادا کرده‌اند و من و آقایان نوربخش، جهاننادر، رفعتی، شفیعی، بسطامی و خاتم مهرعلی ازجمله شاگردان ایشان بوده‌ایم.

ضمنا هنرجویان زیادی برای فراگیری آواز آمدند اما ادامه ندادند. پادم هست که آقایان افتخاری و بیژن کامکار چند ماهی آمدند اما بعد خودشان کار را رها کردند. هنگامه اخوان هم مدتی در رادیو سرکلاس آمد و بعد دیگر نیامد.

از چه سالی و تا چه زمانی آموزش دیدید؟

فراگیری من از سال ۵۶ و از کلاس‌های رادیو شروع شد و تا سال ۶۵ که آخرین سال تعلیم ما بود، ادامه یافت. استفاده‌همان سال استاد برای کنسرت دستان به خارج از کشور رفتند. البته بعدها در محضرشان آموزش‌های دیگری دیدیم که شامل تلفیق شعر و مرکب‌خوانی بود و بعد از دوره‌ها نیز یک کلاس آموزش صداسازی گذاشتند.

در کلاس صداسازی چه آموختید؟

همان نکاتی که نوربخش به شاگردان آواز اکنون می‌آموزد: کشش صدا و نحوه ادا کردن تحریر که چطور به شاگرد تحریر را یاد بدهیم و تمرین گام‌های مختلف در دستگاه‌های مختلف. البته من هیچ‌گاه کلاس صداسازی برگزار نکردم چراکه حوصله زیادی می‌خواهد و بسیار انرژی‌بر است.

پس قبول داریدکه بار آموزشی شیوه استاد را در نسل بعد از خود به دوش کشیدید؟
بله، برای اینکه این کار سخت و جنون‌آمیز تعلیم آواز را دوست داشتم و از سال ۶۵ مشغول تدریس هستم و سه سال دیگر می‌شود ۳۰ سال.

شاخص‌ترین شاگردان شما چه کسانی هستند؟
مهدی امامی و مهیار شادوروان و شهرام آبرومند.

مهدی امامی شاگرد شماست یا شاگرد استاد شجریان؟
پیش از اینکه خدمت شجریان بروند یک دوره ردیف را با من کار کرده‌اند. مهیار شسادوروان نیز همین‌طور. مهدی اصغرپور، رضا طیبی و ماری بیابانگرد و یسنا خوش‌فکر و قدسی مشیری نیز از جمله هنرجویانی هستند که ردیف را از من فراگرفته‌اند.

چرا صدای خانم‌هایی که پیش شما تعلیم دیده‌اند لحن مردانه دارد؟

آپارتمان‌نشینی این‌گونه صدای تترس و رهایی در کسی پرورش یابد.

مهدی، به قول خودش، آنقدر اینجا در کنار خیابان نشست و آواز خوانده که آخرسر سربازهای پادگان او را از آنجا رانده‌اند. هر کسی اینگونه جسارت ندارند و هر کسی به خواندن اینقدر دل نمی‌دهد. او خیلی تمرین کرده و حالا نتیجه هم گرفته است. او خوب می‌خواند.

یعنی شیوه خواندن او به جسارتش مربوط است؟
بله، آنگونه آواز خواندن جسارت می‌خواهد؛ صدا را رها کردن و تترسیدن از رهاسازی صدا جسارت می‌خواهد.

سرکلاس آواز نیز همین‌گونه جواب درس‌ها را می‌داد؟
بله، سرکلاس نیز او راحت می‌خواند در کلاس‌های من هیچ محدودیتی برای خواندن در هر مایه‌ای از صدا وجود نداشته است، تاحدی که گاهی اوقات همسایه‌ها به سروصدای ما معترض می‌شوند.

به هنرجوی مبتدی هم تعلیم می‌دهید؟

بله، هنرجوی مبتدی داشتم‌ام و هنوز هم دارم. خیلی از هنرجویانم از ابتدا، ردیف را با من کار کرده‌اند.

هدف شما در برگزاری کلاس آموزشی آواز چیست؟ تربیت خواننده یا چیزی دیگر؟

هدفم درس دادن ردیفی است که خودم از استاد آموخته‌ام، هر آنچه که بلسم. کار من تربیت خواننده نیست، من تنها مطلب را تعلیم می‌دهم و اگر هنرجو می‌خواهد خواننده شود خودش باید آن را دنبال کند. اگر کسی بخواهد در آوازخوانی فعالیت حرفه‌ای داشته باشد جلوش را نمی‌گیرم بلکه کمک هم می‌کنم. من برای کسی تکلیف معین نکردام.

روش آموزش شما سینه‌به‌سینه‌است یا اینکه علاوه‌بر آن امکان ضبط درس را دارند؟

بله، سینه‌به‌سینه است، چراکه با نت آموزش نمی‌دهیم، اما به این معنی نیست که امکان ضبط درس را نداشته باشند، بلکه درس‌ها ضبط می‌شود. من فایل آماده شده را به بچه‌ها می‌دهم و سرکلاس هم تمرین‌ها را ضبط می‌کنند.

چقدر ضبط کردن درس آواز را برای هنرجو مفید می‌دانید؟

خیلی مفید نمی‌دانم، اما شاگرد‌ها دوست دارند ضبط کنند

آیا همانند آن ضرب‌المثل اعتقاد دارید که هنرجویان ضبط می‌کنند تا فراموش کنند؟

نه، ضبط‌شدن خوب است اما شاگردان به هوای اینکه ضبط کرده‌اند تبلی می‌کنند و می‌گذارند روزی که می‌خواهند بیایند سرکلاس چند بار آن را گوش می‌کنند. من هم متوجه می‌شوم هنر جو تمرین کرده یا نکرده است.

زمانی که به کلاس استاد شجریان می‌رفتید، چگونه بود؟

استاد درس می‌دادند و با هر نفر درس جدید را کار می‌کردند و آخر ضبط را می‌گذاشتیم تا استاد بخواند و ما ضبط کنیم. اما برخی دستگاه‌ها و آوازها را چون ایشان می‌خواستند تست کنند که اگر ضبط نکنیم چگونه می‌شود، بدون ضبط کردن آموزش می‌دادند مثل شور، کرد بیات و افشاری و حتی ماهور. همه را سینه‌به‌سینه یاد می‌گرفتیم. من بعد از درس تا زمان رسیدن به خانه ملودی را در ذهنم تکرار می‌کردم و تا به خانه می‌رسیدیم آن را برای خودم ضبط می‌کردم. برای همین بهتر از بقیه یاد می‌گرفتم، چراکه حتی اگر نیمه شب هم از خواب بیدار می‌شدم ابتدا درس آن هفته را با خود زمزمه می‌کردم.

آیا شیوه آموزشی به ایسن روش را همچنان مفید می‌دانید؟

اما چه می‌شود کرد؟ کاری جز این نمی‌شود کرد. مثلا آواز را باید نت کنیم و به هنرجو از روی نت درس بدهیم، اما کدام هنر جو می‌تواند از روی نت آواز بخواند و به علاقه دارد یاد بگیرد؟ کسانی هستند صدای خوبی دارند و تحریر در صدایشان وجود دارد، اما ردیف را بلد نیستند، این‌ها توان دادن از روی نت را تاب می‌آورند؟ روش آموزش آواز باید اصولی باشد. هنرجویان آواز از ابتدای جوانی باید استعدادیابی و هدایت شوند و به صورت علمی آموزش ببینند، آن‌وقت می‌شود گفت که خواننده درست تربیت شده است. آن وقت، دیگر شرط خوانندگی – به‌طور مثال – صرفا داشتن یک خنجره پر‌تحریر نخواهد بود.



عکاس: نیلوفر جعفری

آواز غیر کپی و قلندرانه روی قطعاتی به سبک عبدالقادر

کیفیت کنسرت نغمه‌های مرکب ساخته سعید نایب‌محمدی و آواز مهدی امامی که در اول و دوم آبان ماه در فرهنگسرای نیاوران اجرا شد پنهان‌های شد تا به مهدی امامی، خواننده خوش‌آواز که بیشتر صدای او را در ابرای مولوی و حافظ بهروز غریب‌پور و در آلبوم‌های پرافشان و چهارسو به آهنگسازی امیرشریفی با صدایی قلندرانه و آوازی متفاوت و غیر کپی شنیده‌ایم، بیشتر ببردازیم ضمن آنکه سعید نایب‌محمدی را آهنگساز کنسرت نغمه‌های مرکب همکاری با خوانندگانی چون علیرضا قربانی و مجتبی عسکری را در کارنامه داشته و از کسانی است که دل در گرو موسیقی شیوه عبدالقادر مراعی دارد و هر این کنسرت نیز موسیقی ادواری را با صدای مهدی امامی روی صحنه برده است.

نگاه

جمع مختصات آواز دیروز و امروز و فردا

چرایی اثر گذاری آواز مهدی امامی



امیر شریفی

آهنگساز و نوازنده تار

کنسرت نغمه‌های مرکب روزهای اول و دوم آبان‌ماه امسال با نوازندگی سعید نایب‌محمدی و حمید قنبری و خوانندگی مهدی امامی در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. آهنگسازی‌های بدیع و در عین حال ریشه‌دار و اجرای روان و با احساس سعید نایب‌محمدی هر شنونده آگاهی را به تحسین و امی داشت.

در این برنامه شاهد پیوندی موفق بین امکانات موجود در موسیقی ایرانی و موسیقی بین‌المللی جهان اسلام بودیم. امیدوارم بتوانم در فرصتی مقتضی در مورد ابعاد فنی اجراء، محتوای قطعات و همچنین ویژگی‌های نوازندگی نایب‌محمدی به تفصیل مطالبی بنویسم. اما موضوع این یادداشت، نوشتن چندسطری درباره توانمندی‌های فنی، ویژگی‌های محتوایی و همچنین دلایل اثر گذاری عمیق آواز مهدی امامی، به بهانه اجرای این کنسرت است.

در شرایط نابسامان امروز در حیطه آواز موسیقی کلاسیک ایرانی، غیر تقلیدی بودن را شاید بتوان مهم‌ترین خصیصه آواز امامی بشمرد. تقلید بدون آگاهی و شناخت، آفتی است که در دهه اخیر

بسیار شاهد آن بوده‌ایم و درباره آن بسیار گفته و شنیده‌ایم. اما آواز مهدی امامی به دور از این جریان مرسوم، در کمال استقلال، راه خود را

پیهموده و پیش رفته است. در کنار ایسن عدم تقلید، می‌توان در آواز او نوعی وار هیدگی و بی‌پروایی را نیز تجربه کرد. این ویژگی‌ها تا حد زیادی اثر گذاری آواز او را تضمین می‌کنند. معادل این صفات را می‌توان در آواز خوانندگانی همچون اقبال‌آذر، نکسیای نقرشی و تاج‌اصفهانی به وضوح شنید. خصیصه مهمی که تقریبا از دهه سوم قرن اخیر از آواز بیشتر خوانندگان فعال در رادیو رخت برست و این روند، به نوعی تا به امروز نیز ادامه دارد. مطالعه عمیق و طولانی‌مدت امامی روی شیوه‌های اجرایی خوانندگان قدیمی موسیقی-دستگاهی و همچنین خوانندگان شاخص دیگر فرهنگ‌های هم‌خانواده با موسیقی دستگاهی، باعث قوی‌تر شدن ریشه‌های آواز او شده است و انس زیاد امامی با خوانندگان نسل‌های قبل، او را با تنوع چشمگیری از سبک‌ها و شیوه‌های اجرایی مواجه کرده و سبب شده است تا به‌دور از هر گونه تصنع و تبعد در تغییر جنس و رنگ صدا، کاملا با صدای طبیعی و به سبک خود بخواند.

توانمندی مثال‌زدنی امامی در مدرگی‌های پیچیده و نامرسوم از دیگر ویژگی‌های آواز او است. گسترده دین مدهای ایرانی و بهره‌گیری از نظام باز مدال برخلاف آموزه‌های ردیف که گاه نمونه‌ای بسیار بسته از یک مد را ارائه می‌کند، باعث شده است تا مدرگی‌های آواز امامی فراتر از روش معمول اکثر خوانندگان در این امر جلوه کند. این مدرگی‌ها در برخی موارد کم‌ترین نغمه مشترک را با مد‌منا دارند و بسیار دور به نظر می‌رسند و حتی گاهی تنها با تغییر ظرفیت تنها یک درجه، برای لحظاتی جاشنی مدی جدید را در دل مقام پایه نشان می‌دهند. بخشی از پشتوانه این توانایی کم‌نظیر امامی، ریشه در سال‌ها تحصیل و کنکاش در موسیقی‌سازی توسط او دارد. او سال‌های زیادی در نوجوانی، ررتوپر رایج ساز سنتور را مشق کرده و با ساز سه‌تار نیز آشنایی کامل دارد. از سوی دیگر آگاهی او به مدهای حوزه ایرانی- عربی- ترکی غایب در نظام دستگاهی (مانند راست، صبا، نهاوند، بیاتی و ...) موجب درک عمیق و دید وسیع او به مقوله مد، به گونه‌ای فراتر از حد ردیف‌های مشقی آواز شده است؛ خصیصه‌ای که در کنسرت اخیر او با سعید نایب‌محمدی نیز بسیار جلوه‌گر بود.

دیگر ویژگی موسیقایی مهم در کار مهدی امامی که شاید نتوان برای او یافت، درک عمیق او از موضوع دور و ریتیم‌های حاضر و غایب در موسیقی ایرانی و توانمندی اجرای این ادوار با سازهای کوبه‌ای رایج مانند تمبک و دف و دایره است. این توانایی نیز در کنسرت نغمه‌های مرکب به طرز چشمگیری مشهود بود.

دیگر عامل بسیار اثربخش آواز امامی، انتخاب اشعار شاخص و اجرائشده، متناسب با فضای مدال و آهنگسازی‌های هر پروژه است. در قام بعدی امامی به‌شدت به دنبال انتقال عمیق مفاهیم شعر از طریق آواز است. بخشی از این مهم، با پرهیز از اجرای شعر با ملودی‌های رایج در نظام دستگاهی تأمین می‌شود. از این‌رو ذوق پالوده‌ای را در ملودی‌پردازای‌های بدیع آواز او می‌توان تجربه کرد. از سوی دیگر آشنایی گسترده‌ی او با تصانیف بجمانده از دوره قاجار نیز یکی دیگر از عوامل غنای ملودیک آواز امامی است.

با وجود اینکه امروزه اکثر خوانندگان برای کسب شهرت و درآمد، حاضر به خوانندگی در هر اثری با هر سبک و کیفیتی می‌شوند، بارها شاهد گزیده‌کاری او بوده‌ام. دقت و وسواس در انتخاب پروژه‌هایی که به او پیشنهاد می‌شود او را به موسیقیدانی صاحب‌روش و به معنای واقعی کلاسیک تبدیل کرده‌است. این رویکرد نشان می‌دهد امامی قادر خصوصیات کم‌نظیر آواز خود را می‌داند.

در دورانی که موسیقی ایرانی به‌شدت دچار بیماری عوام‌زدگی و به تبع آن، رونق روزافزون آثار تجاری است، وجود خواننده‌ای با این خصوصیات باعث دلگرمی موسیقیدانانی است که برای ارائه موسیقی فاخر و جدی تلاش می‌کنند. به جرات می‌توان گفت روزگار به ندرت دانش عمیق موسیقایی و توان بالای اثر گذاری در اجرا و پایبندی به اصول و روشی مشخص را در وجود یک شخص جمع می‌کند. از این‌رو تاریخ موسیقی ایران وظیفه خطیری برعهده امامی گذارده است. امید است او همان‌گونه که تا به امروز در برابر اجرای روش‌های تجاری و عوام‌پسند مقاومت نموده، زین پس نیز قدر گوهر وجود و توانمندی‌های کم‌نظیر خود را بداند و با وجود تمام مشکلات عدیده، با همین روش به کار خود ادامه دهد تا بیش از پیش شاهد آثاری ماندگار از او باشیم.



سعید نایب‌محمدی

آهنگساز و نوازنده عود